

مختصات فتنه در نهج‌البلاغه

ابوالفضل تقی‌پور*

افسانه قاسم‌پور**

چکیده

تاریخ اسلام طی قرن‌های متمادی انواع فتنه‌ها و جریان‌های متعددی از غوغاسالاری و انحراف را تجربه کرده است. حضرت علی (ع) در مجموعه سخنان خود در نهج‌البلاغه بارها با طرح این مسئله درصدد برآمد تا بر زوایای ناپیدای انواع فتنه‌ها نور بتاباند و نقاب از چهره آن‌ها بردارد. در این مقاله پس از استخراج و بررسی غالب بیانات حضرت در این زمینه، توصیف دقیق و دایمانه امیرالمؤمنین از جلوه‌های فتنه و بسترهای لازم برای شکل‌گیری آن‌ها و نیز آثار و پیامدهای آن‌ها بررسی و شیوه‌های مورد نظر امام (ع) در مقابله با آن‌ها رصد شده است. امام علی هواپرستی، ضعف در باورهای دینی، و ورود بی‌خردانه به مسائل شبهه‌ناک را از مهم‌ترین عوامل بروز فتنه می‌داند که فضای غبارآلود ناشی از آن با درآمیختن حق و باطل سبب گمراهی افراد می‌شود. ایشان برای مقابله با فتنه به تمسک به آموزه‌های قرآنی، پرهیز از شتاب‌زدگی، و برخورد محتاطانه تأکید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: نهج‌البلاغه، بسترهای فتنه، گمراهی، شتاب‌زدگی.

۱. مقدمه

نهج‌البلاغه اثری است گران‌قدر که پس از قرآن آن را نظیر و مشابهی نیست. فصاحت و بلاغت آن اساس و معیار نقد ناقدان و ترازوی سنجش سخن‌سنجان شده و مضامین و موضوعات متعدد و فراگیر آن کم‌تر دردی از دردهای جامعه بشری را بی‌درمان گذاشته

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، altappe55@gmail.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، afsaneh441pour@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۲۸

است. به گونه‌ای که شیعه به جرئت می‌تواند مدعی شود کلام امامش او را در برابر خلأهای فلسفی، سیاسی، و اجتماعی ایمن داشته و راه رستگاری‌اش را روشن کرده است. نهج‌البلاغه قدرت باطل را در هم می‌شکند، تردید را در هم می‌کوبد، و فتنه‌های اوهام را خاموش می‌کند (محمد عبده، بی‌تا: ۹). بسیاری جامعیت مضمونی نهج‌البلاغه را مایه شگفتی می‌دانستند، اما با توجه به پرورش یافتن امام علی (ع) در کنار پیامبر و سیراب شدن او از دریای معرفت قرآن، تجربه کردن رویدادهایی بزرگ نظیر فتنه قتل عثمان و پیامد آن جنگ جمل، و هم‌چنین رویارویی با معاویه در صفین و با خوارج در نهروان جامعیت امر مذکور را توجیه‌پذیر و درک‌شدنی می‌نماید. البته این سخن بدان معنا نیست که برجای نهادن چنین اثری برای هر کسی که تجربه‌ای این‌گونه داشته ممکن باشد. امام علی مرد عقیده بود و اسلام آن‌گونه قلب و قالب او را فرا گرفته بود که اندیشه در سرش، سخن جاری بر زبانش، و رفتار و سلوک جوارحش همه در آموزه‌های اسلام ریشه داشت. یکی از مسائلی که حضرت علی (ع) در دوران خلافت خود و در دفعات متعدد با آن روبه‌رو شد مسئله فتنه‌انگیزی است، به همین سبب در مواضع متعددی در نهج‌البلاغه می‌بینیم که امام درصدد نورتاباندن بر زوایای پنهان این مسئله و پرده‌برداری از ماهیت آن برآمد. در این مقاله با استناد به آنچه در کلام امام علی (ع) آمده است، ذیل عناوین مشخص، ابتدا معنای واژه فتنه در لغت‌نامه، قرآن، تفاسیر مشهور، و در خود نهج‌البلاغه رصد می‌شود، آن‌گاه به جلوه‌ها و مصادیق فتنه، دلایل و بسترهای بروز فتنه، اثرها و پیامدهای فتنه، و بالاخره به شیوه‌های مقابله با آن پرداخته می‌شود.

۲. واژه «فتنه» در قرآن

ابن‌منظور در کتاب *لسان‌العرب*، که از مهم‌ترین معاجم لغت عرب است، ذیل واژه فتنه مفاهیمی مثل امتحان، عذاب، گمراهی، رسوایی، جنگ، کفر، و فریفته‌شدن را ذکر کرده است (ابن‌منظور، ۱۴۰۸: ج ۱۰، ۱۷۸-۱۷۹).

راغب اصفهانی، صاحب کتاب *المفردات*، فتنه را به معنای افکندن در آتش، عذاب، آزمایش، و گمراهی می‌داند. به نظر او این عذاب یا از جانب خداست و از روی حکمت برای آزمایش بنده است و در پایان به ثواب یا عقاب منجر می‌شود و یا نتیجه بازتاب اعمال انسان است (راغب اصفهانی، بی‌تا، ۴۸۱، ۴۸۲).

در زبان فارسی یافتن واژه‌ای که به‌طور کامل مفهوم واژه عربی فتنه را بیان کند اندکی دشوار می‌نماید. در ادبیات عرفی فارسی‌زبانان هنگامی که لفظ فتنه به کار گرفته می‌شود،

می‌توان وجود حالتی از شیطنت، حيله‌گری، و آشوب را احساس کرد که بروز آن‌ها در حوزه‌های گوناگون از وجود فتنه خبر می‌دهد. به نظر می‌رسد همه معانی عرضه‌شده برای فتنه به نوعی حاوی حالتی از اختلال و اضطراب است؛ از این رو شاید بتوان گفت هر چیزی که موجب اختلال و اضطراب باشد فتنه است (شریفی، ۱۳۸۸: ۳۹).

این واژه در متون و مکتوبات اسلامی معانی و کاربردهای فراوان دارد و از جمله در قرآن شاهد معانی متعددی برای آنیم. مثلاً در جایی به معنای داغ‌کردن و سوزاندن است: «يَوْمٌ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ: روزی که آن‌ها در آتش شوند» (الذاریات: ۱۳) و در آیه پس از آن می‌خوانیم «ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ: عذاب خود را بچشید این همان چیزی است که با شتاب خواستار آن بودید» (الذاریات: ۱۴). آن‌گونه که پیداست در این آیه شریفه فتنه به معنای عذاب و کیفر آمده است. واژه فتنه در آیه‌ای دیگر به معنای آزمایش و امتحان به کار رفته است، آن‌جا که می‌فرماید: «إِعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ: بدانید که اموال و فرزندانان وسیله آزمایش شما هستند» (انفال: ۲۸).

آیت الله دستغیب در کتاب *گناهان کبیره* فتنه را به معنای آشوب، سلب آرامش و آزادی، و ایجاد دودستگی در امور دنیوی و دینی می‌داند (دستغیب، ۱۳۸۸: ۳۴۱).

ابن عربی در تفسیر خود فتنه را شرک و حجاب معرفی می‌کند (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۲۵۳). خسروانی، صاحب *تفسیر خسروی*، فتنه را اختبار و آزمایش و هم‌چنین به معنای گمراهی، گناه، شرک، رسوایی، عذاب، اختلاف مردم، و شورش آورده است (میرزا خسروانی، ۱۳۹۰: ۳۰).

قرائتی هم در *تفسیر نور* فتنه را به معنای شرک، کفر، آزمایش، و شکنجه می‌داند (قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۱، ۳۰۶).

علامه طباطبایی، از مشاهیر تفسیر قرآن، در *المیزان* در باب فتنه می‌گوید: «فتنه چیزی است که انسان‌ها با آن آزمایش می‌شوند و معمولاً باید تحمل آن سخت، گران، و هم‌راه با مشقت باشد» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹۹).

ابن ابی حاتم، مفسر قرآن، علاوه بر این که فتنه را شرک می‌داند، آن را امری می‌بیند که می‌تواند به صورت سلامتی و بیماری، بی‌نیازی و فقر، حلال و حرام، و هدایت و رضایت خود را نشان دهد (ابن ابی الحاتم، ۱۴۱۹: ۲۴۵۲).

بنابر آنچه گذشت، واژه فتنه و مشتقات آن در قرآن بیش تر ناظر بر دو مفهوم عذاب و آزمودن بوده و تا حدودی جدای از مفهومی است که امروزه در زبان فارسی از این کلمه مستفاد می‌شود.

۳. واژه فتنه در نهج البلاغه

امام علی در مجموعه سخنان خود در نامه‌ها، خطبه‌ها، و کلمات قصار کلمه فتنه را در مفاهیمی نظیر آزمایش و امتحان و آشوب و گمراه‌سازی به‌کار برده است که از این میان فتنه به معنای ایجاد آشوب، غوغاسالاری، و گمراه‌کردن افراد سهم بیش‌تری در کلام حضرت داشته است. در این جا و قبل از پرداختن به دیدگاه ایشان درباره مختصات و ابعاد مختلف فتنه به معنای اخیر به مواضعی که در آن‌ها فتنه را در دیگر معانی به‌کار گرفته اشاره می‌کنیم. امام در خطبه ۶۳ دنیا را جایگاه آزمودن انسان‌ها می‌داند که در قبال هر آنچه از آن متنعم می‌شوند باید پاسخ‌گو باشند: «انّ الدنيا دارٌ لا یسلّم منها الا فیها ... ابتلی الناسُ بها فتنَةً فما أخذوه منها لها أخرجوا منه و حُوسبوا علیه: دنیا خانه‌ای است که از گزند آن ایمنی نیست مگر در آن خانه. مردم به دنیا مبتلایند و به بویه آزمایش درآیند پس آنچه برای دنیا گرفته‌اند حساب آن بکشند» (نهج البلاغه، خطبه ۶۳).

هم‌چنین حضرت در کلمات قصار اشعث پسر شیب را در سوگ فرزندش این‌چنین تعزیت فرمود: «ابنک سرک و هو بلاء و فتنه و حزنک و هو ثواب و رحمة: پسر تو را شاد می‌داشت و برای تو بلا بود و آزمایش و تو را اندوهگین ساخت و آن پاداش است و آرمزش» (همان: حکمت ۲۹۱). حضرت علی (ع) در جایی دیگر در کلمات قصارش می‌فرماید: «لا یقولنّ أحدکم اللهم إنی أعودُ بک من الفتنه لآنه لیس أحدٌ إلا و هو مُشتملٌ علی فتنه ولکن من استعاضَ فلیستعذ من مُضلات الفتن: کسی نگوید که خدایا از آزمایش به تو پناه می‌برم، زیرا هیچ‌کس گریزی از آزمایش ندارد لیکن کسی که می‌خواهد دعا کند از خدا بخواهد که او را از آزمایش‌های گمراه‌کننده در امان دارد» (همان: حکمت ۹۳).

خداوند می‌خواهد آن‌ها را با مال و فرزند آزمایش کند تا آشکار شود چه کسی به رزق خود راضی است و چه کسی به آن خشم می‌گیرد. خدای سبحان از دل آن‌ها آگاه است، اما اعمال آن‌ها نشان خواهد داد که مستحق پاداش‌اند یا مجازات (بحرانی، ۱۳۶۶: ۵۹۹).

در مثال‌های فوق مشاهده کردیم که کلمه فتنه در مفهوم آزمون و امتحان به‌کار گرفته شده است، اما در ادامه بحث به فتنه به معنای آشوب، غوغاسالاری، و گمراهی خواهیم پرداخت که در نهج البلاغه اغلب به این معنا به‌کار رفته است.

۴. اهمیت روشن‌گری درباره فتنه

از نظرگاه اسلام قتل نفس، بدون آن‌که مجوز شرعی داشته باشد، محکوم و مردود است.

اهمیت و حرمت این امر آن اندازه بالاست که در قرآن کریم می‌خوانیم: «أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا: هر کس فردی را جز به قصاص قتل یا به کیفر فساد در زمین بکشد چنان است که گویی همه مردم را کشته است» (مائده: ۳۲). این آیه به بهترین و روشن‌ترین شکل ممکن درجه اهمیت مسئله را به مؤمنان متذکر شده، اما در همین قرآن که قتل نفس را تا به این اندازه مهم می‌شمارد و از آن منع می‌کند، فتنه از حیث ویران‌گر بودن و درجه اهمیتی که باید به آن داد در جایگاهی حتی فراتر از قتل نفس قرار می‌گیرد آن‌گونه که در سوره بقره در دو آیه صراحتاً بر سنگین‌تر بودن مسئله فتنه تأکید می‌شود: «الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» (بقره: ۱۹۱) و «وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ» (بقره: ۲۱۷). چرا چنین نباشد هنگامی که به نظر می‌رسد فتنه می‌تواند به ازدست‌رفتن ایمان و سعادت جمعی از انسان‌ها و حتی در بسیاری موارد به ازدست‌رفتن جان بسیاری از آن‌ها منجر شود و در اغلب مواقع به فاصله‌گرفتن آن‌ها از جاده حق و حقیقت بینجامد. از همین رو، قرآن به پرهیز از فتنه فرا می‌خواند و اعلام می‌دارد که آتش فتنه تر و خشک را با هم می‌سوزاند و فقط گریبان‌گیر عده‌ای خاص نیست: «اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً: از فتنه‌ای که تنها به ستم‌گران شما نمی‌رسد بترسید» (انفال: ۲۵). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه همه امت اسلامی را مخاطب آن می‌شمارد و بر این اساس آن‌ها را موظف به جلوگیری از بروز فتنه می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۵).

از مهم‌ترین دغدغه‌های حضرت علی (ع) در طی دوران پس از رحلت پیامبر (ص) این بود که تا سر حد امکان جامعه را از فرورفتن در آتش فتنه بازدارد و از انحراف‌های عقیدتی و سیاسی جلوگیری کند و از همین روست که در جای‌جای نهج‌البلاغه می‌توان ردی از کلمه فتنه را جست‌وجو کرد. در ادامه بحث ویژگی‌های ظاهری فتنه و به‌تعبیری هیئت و رنگ و لعاب فتنه و فضای ظهور آن از نگاه حضرت بررسی می‌شود.

۵. جلوه‌های فتنه

امام علی (ع)، که تجربه رویارویی با فتنه‌های متعددی را طی حیات خود داشت، ویژگی‌های فتنه را به‌دقت رصد کرد و در کلام خویش با بهره‌گیری از ابزارهای بلاغت به بهترین شکل ممکن آن‌ها را به مخاطبان خود عرضه کرد. امام آمدن فتنه را به قدم‌گذاشتن فردی ناشناس مانند می‌داند که ناغافل و بدون آن‌که کسی انتظارش را بکشد از جایی که کسی گمانش را نبرد وارد می‌شود: «تَبْدَأُ فِي مَدَارِجِ خَفِيَّةٍ: از رهگذرهای نهانی درآید» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۱).

فتنه سیمای خوشی دارد که طراوتش به طراوت نوجوانی مانند است، اما اثری که از پی آمدنش بر جای می ماند چون نقش سنگی است که از بین بردن آن بر همگان دشوار آید: «شَبَابُهَا كَشَابُ الْغَلَامِ وَ آثَارُهَا كَأَثَارِ السَّلَامِ: آغازش چون عنفوان جوانی خوش و دلربا و آثارش چون نشانه‌هایی که از ضربت سنگ پدید آید» (همان).

هنگامی که فتنه می آید چنان حق جلوه می کند که کم تر کسی به باطل بودن آن رأی می دهد و فقط هنگام رفتن آن است که چهره حقیقی اش آشکار می شود و مکر و فریبش هویدا می شود: «إِنَّ الْفِتْنَ إِذَا أَقْبَلَتْ شَبَّهَتْ وَ إِذَا أُدْبِرَتْ تَبَّهَتْ يُنْكَرَنَّ مُقْبَلَاتٍ وَ يُعْرَفَنَّ مُدْبِرَاتٍ: همانا فتنه‌ها چون روی آورد باطل را به صورت حق آراند و چون پشت کند حقیقت چنان که هست نماید، فتنه‌ها چون روی آرد نشناسندش چون بازگردد داندش» (نهج البلاغه، خطبه ۹۳).

هنگامی که فتنه‌ها می آیند همانند حیوانی چموش و سرکش که رم کرده باشد همه چیز را زیر پای خود می گذارند و در این بین طرفه آن است که حتی عقلای قوم هم مدهوش و سرگشته حرکات ویرانگر آن می شوند و مقاومتی در برابر آن نشان نمی دهند: «قَبْلَ أَنْ تَشْغَرَ بِرِجَالِهَا فِتْنَةٌ تَطَّأُ فِي خِطَامِهَا وَ تَذْهَبُ بِأَحْلَامِ قَوْمِهَا: پیش از آن که فتنه‌ای بیاید که هم چون شتر بی صاحب گام بردارد و مهار خود پایمال کند و مردمان را بکوبد و عقل صاحبان خرد ببرد» (همان: خطبه ۱۸۹).

امام علی در جایی دیگر و در توصیف هولناک بودن جریان فتنه سیمای آن را از قبل ناپیدا بودن سر درون به شبی سیاه مانند می داند که گم گشتن راه مقصود نتیجه بدیعی آن خواهد بود و نیز آن را به دریایی موج و متلاطم شبیه می داند که نجات از مهلکه آن در توان هر کسی نخواهد بود: «أَقْبَلَنَّ كَاللَّيْلِ الْمُظْلَمِ وَ الْبَحْرِ الْمُتَلَطِّمِ: چون شب تار و دریای زخار روی آرد» (همان: خطبه ۱۰۱).

فتنه‌ای که امام علی چنین چهره‌ای از آن را به تصویر می کشد برای بروزیافتن و سرپایستادن به بسترهایی نیاز دارد که در ادامه به عوامل شکل گیری این بسترها می پردازیم.

۶. عوامل بسترساز بروز فتنه

پیامبر اکرم (ص) مالاندوزی را مهم ترین فتنه و فریبی می داند که دامان امتش را می گیرد: «إِنَّ لِكُلِّ أُمَّةٍ فِتْنَةٌ وَ فِتْنَةُ أُمَّتِي الْمَالُ» (محمّدی ری شهری، ۱۴۱۳: حدیث ۱۵۷۲۵). پیرو این آموزه نبوی حضرت علی (ع) نیز پیروی از هواهای نفسانی را سرآغاز و منشأ بروز انواع فتنه‌ها می پندارد: «طَلَبُ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتْنَةِ: دنیاخواهی سرآغاز فتنه است» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸: ۳۸۱).

و در جای دیگر با استفاده از واژه اَنَّمَا، که در لغت عرب به معنای حصر است، هوای نفس را یگانه عامل بسترساز فتنه می‌شمارد: «إِنَّمَا بَدَأُ وَقَوِّعَ الْفِتْنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ: هَمَانَا أَعْلَازُ پدید آمدن فتنه‌ها پیروی خواهش‌های نفسانی است» (نهج‌البلاغه، خطبه ۵۰). این عقیده سال‌ها بعد در کلام امام صادق (ع) نیز تبلور می‌یابد، آن‌جا که می‌فرماید: «دنیا دوستی سرآغاز همه فتنه‌هاست» (نجفی، ۱۴۲۳: ۲۸۸). پی‌جویی هوای نفس و خواهش‌های فردی آن‌جا مهلک‌تر و دردناک‌تر خواهد بود که بزرگان قوم در بلعیدن منافع و مصالح به رقابت با یک‌دیگر برخیزند و دست به کار نابودی هم شوند: «یتنافسون فی دُنْیَا دُنْیَا وَ یَتَّكَلِّبُونَ عَلَی جَیْفَةِ مَرْیَحَةٍ عَن قَلِیلٍ یَتَبَرَّأُ التَّابِعُ مِنَ المَتَّبِعِ وَ القَائِدُ مِنَ المَقُودِ فِی تَرَاوِلُونَ بِالْبَعْضَاءِ وَ یتَلَاعَنُونَ عِنْدَ اللِّقَاءِ ثُمَّ یَأْتِی بَعْدَ ذَکَ طَالِعُ الفِتْنَةِ الرَّجُوفُ وَ القَاصِمَةُ الزَّحُوفُ: بر سر دنیای دون بر یک‌دیگر پیش‌دستی نمایند و چون سگان این مردار گندیده را از هم ربایند و دیری نپاید که تابع از متبوع بیزار باشد و امیر از مأمور در آزار دشمنانه از هم جدا شوند با لعنت یک‌دیگر را دیدار کنند پس فتنه سر برآرد سخت لرزاننده، درهم‌کوبنده و خزان‌خزان‌رونده» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۱).

امام علی (ع) ضعف در باورهای دینی را عامل دیگر بروز فتنه می‌داند. روزی که از دین فقط نام و رویه آن در جامعه مشاهده شود و مدعیان و منتسبان به دین را در جمع بدان روزگار ببینیم. در آن هنگام است که بستری دیگر برای شعله‌ور شدن آتش انواع فتنه‌ها فراهم شود: «یَأْتِی عَلَی النَّاسِ زَمَانٌ لَا یَبْقِیَ فِیهِ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا إِسْمُهُ مَسَاجِدُهُمْ یَوْمئِذٍ عَامِرَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى سَكَانُهَا وَ عَمَّارُهَا شَرُّ أَهْلِ الْأَرْضِ مِنْهُمْ تَخْرُجُ الْفِتْنَةُ: مردم را روزگاری فرا رسد که در آن از قرآن جز نشان نماند و از اسلام جز نام آن. در آن روزگار بنای مسجدهای آنان از بنیان آبادان است و از رستگاری ویران. ساکنان و سازندگان آن مسجدها بدترین مردم زمین‌اند و فتنه از آن‌ها خیزد» (همان: حکمت ۳۶۹). امام هم‌چنین ورود به مسائل شبهه‌ناک و مواضعی را که حق و باطل در آن پیدا نیست از عوامل بروز فتنه می‌داند و از این کار منع می‌کند: «فَاحْذِرِ الشَّبَهَةَ وَ اشْتِمَالَهَا عَلَی لُبْسِهَا فَإِنَّ الْفِتْنَةَ طَالَمَا أُغْدِفَتْ جَلَابِیْهَا وَ أُغْشَتِ الْأَبْصَارَ ظُلْمَتُهَا: از شبهت و آمیختگی آن به حق و باطل بپرهیز که روزگاری است فتنه پرده افکننده و تیرگی‌های آن دیده‌ها را پوشانده» (همان: نامه ۶۵).

۷. اثرها و پیامدهای فتنه

امام (ع) آن‌گونه که در کلام خود بسترها و عوامل بروز فتنه را معرفی می‌کند به آثار و نتایج آن نیز می‌پردازد و از جمله آمیخته‌شدن حق با باطل را از آثار اصلی فتنه می‌داند؛

آنجا که طوفان فتنه وزیدن می‌گیرد و غبار به‌پاشده ناشی از آن مانع دیدن حقایق می‌شود: «يَحْمَنُ حَوَمَ الرِّيحِ: چون بادهای گرد گردانند» (همان: خطبه ۹۳). شرایطی که افراد از هر طیف و گروهی و با هر شرایطی راه را گم می‌کنند: «يَضِيعُ فِي غُبَارِهَا الْوُحْدَانُ وَ يَهْلِكُ فِي طَرِيقِهَا الرُّكْبَانُ: تک‌روان از غبار آن فتنه تباه گردند و سواران درونش به هلاکت رسند» (همان: خطبه ۱۵۱). فتنه‌گران با درآمیختن حق و باطل تمیزدادن آن‌ها را برای بینندگان و مخاطبان دشوار می‌کنند و این‌گونه است که راه برای مطرح‌شدن آرای ناصواب و تصمیمات پرشتاب هموار می‌شود: «لَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِزَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخْفَ عَلَى الْمُتَرَدِّينَ ... وَ لَكِنْ يُؤْخَذُ مِنْ هَذَا ضِغْتٌ وَ مِنْ هَذَا ضِغْتٌ فَيَمِزُجَانُ فَهِنَالِكَ يَسْتَوْلِي الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَاءِهِ: پس اگر باطل با حق درنیامیزد حقیقت جو آن را شناسد و داند ... لیکن اندکی از این و آن گیرند تا به هم درآمیزد و شیطان فرصت یابد بر دوستان خود چیره شود» (همان: خطبه ۵۰). به هنگام فتنه گمراهی، تفرقه، و تشتت آرا حاصل می‌شود و حتی آن‌ها که سالیان متمادی به سلامت دل و عقل و استواری معروف بودند به انحراف کشیده می‌شوند: «فَتَزِيغُ قُلُوبٌ بَعْدَ اسْتِقَامَةٍ وَ تَضِلُّ رِجَالٌ بَعْدَ سَلَامَةٍ وَ تَخْتَلِفُ الْأَهْوَاءُ عِنْدَ هَجُومِهَا وَ تَلْتَبِسُ الْأَرْأُ عِنْدَ نَجْمِهَا: دل‌ها پس از پایداری دودلی پذیرند و مردانی که سلامت مانده بودند گمراهی پیش گیرند به هنگام هجوم فتنه هوا و هوس‌ها گونه‌گون بود و بسیار و به وقت پدیدشدن آن رأی درست به نادرست آمیخته گردد» (همان: خطبه ۱۵۱). فتنه که می‌آید خرد و عقل ناتوان و سست می‌شود و مجال جولان‌دادن و قدرت‌گرفتن ظالمان فراهم می‌شود: «تَغِيضُ فِيهَا الْحِكْمَةَ وَ تَنْطِقُ فِيهَا الظُّلْمَةَ: چشمه‌های حکمت خشکیده و ستم‌گران در آن به سخن آیند» (همان: خطبه ۱۵۱). فضای فتنه رشته‌های قرابت دوستان را می‌گسلد و همه چنان در آن گرفتار آیند که گویی از این منظر تفاوتی میان حامیان فتنه و مخالفان آن نباشد: «تُقَطَّعُ فِيهَا الْأَرْحَامُ ... بَرِيْهَا سَقِيْمٌ وَ ظَاعِنُهَا مَقِيْمٌ: پیوند خویشاوندی در آن بریده باشد ... آن‌که از فتنه به کنار است از آسایش بیمار است و آن‌که خواهد خود را برهاند نتواند و هم در آن بماند» (همان). مستولی‌شدن فتنه بر فضای جامعه آن هنگام که هیچ مانعی در برابر خود نیافت و سایه خود را بر همه جا گستراند چنان تحولی را موجب می‌شود که شاید باورش در قبل از وقوع فتنه برای اهل همان جامعه ناممکن باشد؛ فضایی که امام (ع) آن را این‌گونه توصیف می‌کند: «عِنْدَ ذَلِكَ أَخَذَ الْبَاطِلُ مَأْخِذَهُ وَ رَكِبَ الْجَهْلُ مَرْكَبَهُ ... وَ هَدَرَ فِينِقُ الْبَاطِلِ بَعْدَ كُطُومِ وَ تَوَاحَى النَّاسُ عَلَى الْفُجُورِ وَ تَهَاجَرُوا عَلَى الدِّينِ وَ تَحَابَّوْا عَلَى الْكَذْبِ وَ تَبَاغَضُوا عَلَى الصِّدْقِ: در این هنگام است که باطل بر جای استوار شود و نادانی بر طبیعت‌ها سوار

... و باطل آرمیده برخیزد و چون شتر نر بانگ بردارد مردم در گناه برادر و یار شوند و در کار دین جدایی‌پذیرند. در دروغ با هم دوست باشند و در راست یک‌دیگر را دشمن گیرند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۸).

۸. ابزارها و شیوه‌های مقابله با فتنه

امام علی (ع) در کنار تصویری که از چهره فتنه و فتنه‌گران ارائه می‌دهد و به بسترهای شکل‌گیری آن اشاره می‌کند، راه مقابله با آن را نیز عرضه می‌دارد. راهی که جز از چشمه ایمان و تقوا و بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن نشئت نمی‌گیرد. امیر مؤمنان تقوا را گریزگاه اصلی انسان از دام تاریک فتنه‌ها می‌پندارد و قاطعانه می‌فرماید: «اعلموا أنه من يتق الله يجعل له مخرجاً من الفتن و نوراً من الظلم: بدانید آن‌که از خدا بترسد خدا برای او راه خروج از فتنه‌ها قرار دهد و نوری که در تاریکی بدان راه برد» (همان: خطبه ۱۸۳). آموزه‌ای که قرآن آن را از استوارترین راه‌ها می‌شمارد: «إن تصبروا و تتقوا فإن ذلك من عزم الأمور» (آل‌عمران: ۱۸۶).

صبری کردن نیز، آن‌گونه که در آیه بالا ذکر شده است، می‌تواند شیوه‌ای برای مقابله باشد و از همین رو امام در مقابله با فتنه‌ها برخورد محتاطانه را، که خود ناشی از شکیبایی است، توصیه می‌کند: «لا تفتحوا ما استقبلتم من فور نارالفتنة: بی‌اندیشه وارد آتش فتنه نشوید» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸۷). محمد خوانساری در ترجمه غررالحکم و دررالکلم درباره این سخن امام علی (ع) می‌نویسد: «مراد این است که اگر به راهی بروید که فتنه بر سر آن باشد بی‌رویه در آن داخل نشوید، بلکه کنار بکشید و راه را خالی گذارید و این به اعتبار این است که صاحب فتنه متوجه جاده است و از آن می‌آید پس هر که از آن راه برود گرفتار آن می‌شود و اگر کنار کند به آن برنخورد» (خوانساری، ۱۳۶۶: ۳۲۱).

پیامبر (ص) نیز صراحتاً قرآن را در شبهات و امور فتنه‌برانگیز ملاک عمل قرار می‌دهد و به پیروی از دستورات آن امر می‌کند: «إذا التبت علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم فعلیکم بالقرآن» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۳: حدیث ۱۶۱۱۰) (اگر فتنه‌ها هم‌چون شب تاریک شما را فرا گرفتند به قرآن رجوع کنید). حضرت علی مکرر در نهج‌البلاغه به پی‌جویی نور هدایت در قرآن فرا می‌خواند و این کتاب آسمانی را روشنایی‌بخش تاریکی راه‌های زندگی بشر می‌داند: «أنزل علیکم الكتاب تبیاناً لكل شیء: قرآن را که بیان‌دارنده هر چیز است بر شما فرو فرستاد» (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۶).

امام در موضع دیگر می‌فرماید: «وَأَرَدُّ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ مَا يُضْلِعُكَ مِنَ الْخَطُوبِ وَيَشْتَبِهَ عَلَيْكَ مِنَ الْأُمُورِ... فَالرَّدُّ إِلَى اللَّهِ الْإِخْذُ بِمُحْكَمِ كِتَابِهِ: أَنْ جَاءَكَ كَارِبٌ بِرَأْسِ الْكَلْبِ وَدَشْوَارٌ وَحَقِيقَةٌ كَارِهَا نَأْشُكَارٌ، بِهِ خُذْهُ وَرَسُولُكَ بَأْزَارٍ... بَأْزُورِ الْبُحْرَانِ بِخُذْهُ بِمُحْكَمِ كِتَابِهِ أَوْ قُرْآنِهِ» (همان: نامه ۵۳). پرواضح است که دعوت حضرت علی به تاسی از قرآن همان ارجاع به قانون و تمسک به اصل قانون‌گرایی است که می‌تواند جامعه را از گرفتار آمدن در چنگال فتنه‌ها بازدارد و به منزله فصل الخطاب و عامل وحدت‌بخش میان طبقات گوناگون جامعه اسلامی باشد.

از دیگر توصیه‌های امام در فضای فتنه، که به‌نوعی ناشی از همان توصیه به صبوری و نداشتن شتاب‌زدگی است، اتخاذ سیاستی است که از رهگذر آن نه به جریان فتنه کمکی شود و نه فرد در معرض آسیب‌های آن قرار گیرد: «كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابِنَ اللَّيُونِ لَا ظَهْرٌ فَيُرْكَبُ وَلَا ضَرْعٌ فَيُحْلَبُ: هَنْغَامٌ فَتَنْهَ بِحُجْرَتِهِ دَوَّسَالَهُ بَاشَ نَهْ پِشْتِي تَا سَوَارِشْ شُونَد وَ نَه پِستانی تا شیرش دوشند» (همان: حکمت ۱).

تأکید امام بر رفتار هوشیارانه در فضای پرفریب فتنه امری بود که مکرراً از جانب مسلمانان زمان ایشان و به‌ویژه پس از شهادت ایشان به فراموشی سپرده شد و حافظه تاریخی شیعه نمونه‌های بسیاری را به یاد دارد که تمسک‌نجستن به این توصیه خسارت‌های سنگینی را بر مسلمانان وارد آورد. امام از سویی تمسک به تعالیم اهل بیت را نیز راه نجات از فتنه‌ها برمی‌شمارد: «إِنَّهَا النَّاسُ شَقَّوْا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسَفْنِ النَّجَاةِ: أَي مَرْدَمِ مَوْجِ الْفِتَنِهَا رَا بَا كَشْتِي هَاي نَجَاتِ بِشْكَافِيدِ» (همان: خطبه ۵). ناگفته پیداست که کشتی نجات مسلمانان اهل بیت رسول‌اند آن‌گونه که حضرت علی هم در موضعی می‌فرماید: «نَحْنُ الشُّعَارُ وَالْأَصْحَابُ وَالْخَزَنَةُ وَالْأَبْوَابُ وَلَا تُؤْتِي الْبَيْتُ إِلَّا مِنْ أَبْوَابِهَا: مَا خَاصِّكَانَ وَ يَارَانَ وَ كَنْجُورَانَ نُبُوتَ وَ دَرِهَائِ رَسَالَتِيْمِ. دَرِ خَانَهَائِ جَزَّازِ دَرِهَائِ أَنْ نَتَوَانَ دَرِ شَدِ» (همان: خطبه ۱۵۴).

۹. نتیجه‌گیری

امام علی (ع) در نهج‌البلاغه به‌صورتی روشن و با بهره‌گیری از ابزارهای بلاغت و به‌ویژه با استفاده از تشبیهات و استعاره‌های محسوس و ارائه مثال‌هایی فهم‌شدنی برای همگان فتنه و اوصاف آن را مجسم کرد. در نهج‌البلاغه، که سراسر گفتار حکمت‌آمیز آن امام است، تجربیات متعددی درباره فتنه‌های صدر اسلام وجود دارد که واکاوی آن‌ها و بررسی عوامل بروز هر کدام می‌تواند جامعه اسلامی امروز را از افتادن در دام فتنه‌ها بازدارد و چراغ راهی

برای دیدن راه باشد. تشخیص فتنه و فضای آن و تشخیص عوامل و بسترهایی که به بروز فتنه می‌انجامد معمولاً با توجه به غبارآلودبودن جو جامعه فتنه‌زده دشوارترین مرحله مقابله با فتنه است که امام با برشمردن مختصات این فضا بیانات روشن‌گرانه‌ای را عرضه داشت که در همه اعصار و قرون می‌تواند موجب بصیرت‌افزایی باشد. در این زمینه تأکید مکرر امام بر فریبنده‌بودن فتنه و فتنه‌گر، به‌گونه‌ای که حتی عقلای قوم نیز گرفتار این فریب می‌شوند، اشاره‌ای به اهمیت میزان توجه به این موضوع است و این نکته که کسی نمی‌تواند بدون هشجاری، حساسیت خاص، و ریزینی خود را از آسیب‌های فتنه بری بداند؛ زیرا آن‌گونه که حضرت می‌فرماید فتنه‌ها به هنگام آمدن ناشناس و فقط به هنگام رفتن آشنا و مکشوف‌اند.

امام در بحث بسترها و عوامل شکل‌گیری فتنه‌ها هواپرستی و دنیادوستی هم‌چنین ضعف در باورهای دینی و ورود بی‌خردانه به مسائل شبهه‌ناک را از عوامل فتنه‌انگیزی می‌داند و درباره آن‌ها هشدار می‌دهد. عواقب فتنه دیگر مسئله‌ای است که مصادیق آن را در مواضع مختلفی در نهج‌البلاغه می‌یابیم. در آمیختن حق و باطل در غبار به‌پاشیده از طوفان فتنه و تعمد فتنه‌گران در به هم درآمیختن آن‌ها از نظرگاه امام اصلی‌ترین پدیده‌ای است که موجب تیرگی دل‌ها و گمراهی مؤمنان می‌شود، آن‌گونه که با زمین‌گیرشدن حق و اصحاب آن شتر باطل چهل نعل بتازد چشمه خرد و حکمت در آن فضا خشک و دروغ مقدس شود و راست مطرود باشد. امام در باب شیوه مقابله با فتنه بصیرت و پرهیز از شتاب‌زدگی را مطرح می‌کند تا مؤمن بازیچه و مورد سوءاستفاده فتنه‌گران قرار نگیرد. در این زمینه امام تمسک به آموزه‌های قرآنی و مراجعه به اهل بیت را به‌سان محوری برای قانون‌گرایی توصیه می‌کند و این مراجع را فصل الخطاب و راه اصلی برون‌رفت از فتنه‌ها می‌داند.

کتاب‌نامه

- قرآن مجید، ترجمه استاد محمدمهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن الکریم.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن (۱۴۱۹ ق). تفسیر القرآن العظیم، عربستان سعودی: مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ابن عربی، ابو عبدالله محیی‌الدین محمد (۱۴۲۲ ق). تفسیر ابن عربی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- بحرانی، میثم بن علی بن میثم (۱۳۶۶). اختیار مصباح السالکین، مصحح محمدهادی امینی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۷۸). غررالحکم و درر الکلم، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خوانساری، جمال‌الدین محمد (۱۳۶۶). شرح غررالحکم و درر الکلم، مصحح میرجلال‌الدین محدث، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- دستغیب شیرازی، حاج سید عبدالحسین (۱۳۸۲). *گناهان کبیره*، تصحیح سید محمد هاشم دستغیب، قم: دارالکتاب جزائری.
- راغب اصفهانی، ابی القاسم الحسین بن محمد (بی تا). *المفردات فی غریب القرآن*، عربستان سعودی: مکتبه نزار مصطفی الباز.
- رضی، سید شریف (۱۳۷۴). *نهج البلاغه*، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- شبر، سید عبدالله (۱۴۱۲ ق). *تفسیر القرآن الکریم*، بیروت: دارالبلاغه للطباعة والنشر.
- شریفی، احمد حسن (۱۳۸۸). *موج فتنه*، تهران: کانون اندیشه جوان.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- عبده، محمد (بی تا). *شرح نهج البلاغه*، مصحح عبدالحمید محمد محیی الدین، قاهره: مطبعة الاستقامة.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۲). *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۴۱۳ ق). *میزان الحکمة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- نجفی، هادی (۱۴۲۳ ق). *موسوعة احادیث اهل البيت*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.